



مشرك

در قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف از مسئله «شرك» و «مشركان» سخن به میان آمده است و در آیات متعددی از آنها سخن گفته شده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای لغوی
- ۲ - مشرك از دیدگاه قرآن
- ۳ - عقاید مشركان از منظر قرآن
 - ۳.۱ - اعتقاد به شراکت غیر خدا در تدبیر امور
 - ۳.۲ - اعتقاد به شفاعت بتها
 - ۳.۳ - اعتقاد به صاحب فرزند بودن خدا
 - ۳.۴ - عدم اعتقاد به آخرت و معاد
 - ۳.۵ - اعتقاد به جبرگرایی
- ۴ - مشركان در قیامت
 - ۴.۱ - پشیمانی
 - ۴.۲ - لعن یکدیگر
 - ۴.۳ - استمداد از معبودان خود
 - ۴.۴ - تسلیم شدن نزد خدا
- ۵ - قرآن و اتمام حجت با مشركان
- ۶ - مشركان و عذاب مضاعف
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

معنای لغوی

مشرك، اسم فاعل از ریشه «شرك» است که در لغت به معنی مخلوط شدن مالکیت [۱] و سهم و نصیب [۲] می‌باشد؛ برخی نیز از آن به همکاری و تقارن دو یا چند فرد در عمل یا امری، به نحوی که برای هر کدام از آنها نصیب یا تأثیری در آن وجود داشته باشد، تعبیر نموده‌اند. [۳] در اصطلاح قرآنی مشرك به شخصی اطلاق می‌گردد که برای شخصی یا شیئی وجودی مستقل و مؤثر، در عرض خداوند قائل باشد و در اعمال خود سهم و نصیبی برای غیر خدا قائل شود. [۴]

مشرك از دیدگاه قرآن

از آنجا که قرآن کریم به مسأله توحید و یگانگی خدا عنایت ویژه‌ای دارد، با افرادی که به هر نحو این اصل را زیر پا نهاده و بنا به دلایل مختلف به مخالفت با این رکن عظیم نظام هستی پرداخته‌اند، به مبارزه و روشنگری برخاسته و با روش‌های متفاوت به بررسی و ابطال عقاید آنان پرداخته است؛ لذا قسم اعظمی از آیات را به این قشر از انسان‌ها اختصاص داده و وضعیت دنیوی و اخروی آنها را به نمایش گذاشته است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانُوا أَكْثَرَهُمْ مُشْرِكِينَ» [۵] «بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند، چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرك بودند!» به مومنین سفارش نموده تا در زمین سیر کنند و عاقبت این مشركان را ببینند و در آن اندیشه کرده و عبرت بگیرند تا راه مشركان را ادامه ندهند. [۶]

عقاید مشركان از منظر قرآن

← اعتقاد به شراکت غیر خدا در تدبیر امور

یکی از مهمترین عقاید مشركان، اعتقاد به شراکت جن و ملائکه در خلقت بندگان، در تدبیر امور، در امر عبادت و... است؛ به این تصور که آفریدگار عالم، تدبیر جهان را بر اساس طبقاتی که در اجزای آن هست، به موجوداتی شریف و مقرب درگاه خود واگذار نموده است: [۷] «وَجَعَلُوا لِيهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ تَبِينَ وَتَبَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُخْرًا وَتَعَالَى عَمَّا يُصُفُّونَ» [۸] «انان برای خدا همتایانی از جنّ قرار دادند، در حالی که خداوند همه آنها را آفریده است و برای خدا، به دروغ و از روی جهل، پسران و دخترانی ساختند؛ منزّه است خدا، و برتر است از آنچه توصیف می‌کنند!» در این آیه قرآن متذکر برخی از عقاید شرك آلود مشركان شده است؛ چون برخی از آنان شرور را به شیطان نسبت می‌دادند و برخی دیگر که به فرزند دار بودن خدا معتقد بودند، آنها را به عنوان شرکائی برای خدا قلمداد کرده و آنها را مؤثر در وقایع عالم می‌دانستند؛ مانند یهود و نصاری که «عزیر نبی» و «عیسای مسیح» را فرزندان خدا می‌دانند. [۹]

← اعتقاد به شفاعت بتها

یکی از عقاید رایج بین مشرکان، اعتقاد به **شفاعت بتها** نزد خداوند است، چنانچه قرآن از این عقیده **باطل** این گونه تعبیر نموده است: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ يَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ...» [۱۰۰] «آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد و می‌گویند: اینها **شفیعان** ما نزد خدا هستند!...» مشرکان به دلیل عدم لیاقت‌شان برای رسیدن به لقای الهی بدون واسطه، بت‌هایشان را به عنوان **شفیع** نزد خدا قرار می‌دهند؛ زیرا قائلند که اینها نزد خداوند صاحب مقام و منزلت هستند؛ اما خداوند متعال این **اعتقاد** مشرکان را رد نموده و می‌فرماید: آنچه را که شما به عنوان واسطه **فیض** و شفاعت **پرستش** می‌کنید، هیچگونه **نفع** و ضرری برای شما ندارد. [۱۱]

← اعتقاد به صاحب فرزند بودن خدا

گروهی از مشرکان (**یهود** و **نصاری**) بر این عقیده‌اند که عزیر (عزرای **کاهن**) و **مسیح**، فرزند خدا هستند: «وَ قَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيرٌ ابْنُ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا...» [۱۲] «یهود گفتند: عزیر پسر خداست! و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست! این سخنی است که با زبان خود می‌گویند، که همانند گفتار **کافران** پیشین است؛ خدا آنان را بکشد، چگونه از **حق** انحراف می‌یابند؟!...» همچنین آیات بقره/۱۱۶ [۱۲]، مائده/۱۷ - ۱۸ [۱۴]، مریم/۸۸ - ۹۲ [۱۵]، انبیاء/۲۶ [۱۶] و زمر/۴ [۱۷] نیز در این رابطه‌اند. این **آیه** ناظر به این اعتقاد **اهل کتاب** است که به جهت رسیدن به منافع خود، خداوند را به صورت شخصیتی که صاحب فرزند است تصور کرده، به طوری که عزیر **نبی** و عیسی **نبی** را **فرزند** او می‌دانستند؛ اما خدای تبارک این عقیده **باطل** را ساختگی دانسته و آن را سخنی بدون **دلیل** و **برهان** می‌خواند که **شبیهِ** و موافق با اقوال و عقاید **کفار** است. [۱۸]

← عدم اعتقاد به آخرت و معاد

عدم اعتقاد به **آخرت** و **معاد** عقیده دیگر مشرکان است که **قرآن** در بسیاری از موارد آن را مطرح نموده است: «وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ... إِيذُكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَاباً وَ عِطَاباً أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ... إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا تَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» [۱۹] «ولی اشرافیان (خودخواه) از **قوم** او که **کافر** بودند، و دیدار آخرت را **تکذیب** می‌کردند، گفتند:... آیا او به شما **وعده** می‌دهد هنگامی که مردید و **خاک** و استخوان‌هایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید؟! مسلماً غیر از این **زندگی** دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می‌میریم، و **نسل** دیگری جای ما را می‌گیرد و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!» **قرآن کریم** در این **آیات** به نقل سخن مشرکان **قوم هود** یا صالح **نبی** [۲۰] پرداخته که آنها پس از دعوت شدن به یکتاپرستی، با **انکار** معاد و زندگی پس از مرگ سعی می‌کنند عامه مردم را علیه پیامبرشان بشورانند: [۲۱] «وَ لَنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِمَّنْ لَكُمْ إِيذًا لَخَاسِرُونَ» [۲۲] «و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلماً زیانکاری» آیات دیگر که در مورد عدم اعتقاد مشرکان به آخرت و معاد بوده از این قرار است: یونس/۱۵ [۲۳] و نیز همان سوره/۸۱ - ۸۳ [۲۴]، صافات/۱۶ [۲۵] و [۲۶] ۲۳ - ۲۴، نازعات/۱۰ - ۱۲ [۲۷] و جائیه/۱۰ - ۱۲ [۲۸].

← اعتقاد به حبرگرایی

مشرکان برای توجیه **شرک** نسبت به خدا و عدم **انفاق** خود به نیازمندان، خود را **مجبور** و **مفقور** خواست خداوند معرفی میکردند: «وَ قَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ...» [۲۹] «آنان گفتند: اگر خداوند رحمان می‌خواست، ما آنها را پرستش نمی‌کردیم!» در این **آیات**، مشرکان در پاسخ **انبیاء** که چرا به خدا شرک می‌ورزید؟ می‌گفتند: اگر خدا می‌خواست ما مشرک نمی‌شدیم، آنها با این سخنان **باطل** و بی‌اساس، خود را **مجبور** به شرک می‌دانستند و خدا را **مستول** گمراهی خود معرفی می‌کردند؛ چرا که او بر **هدایت** آنها **قادر** است؛ ولی عمداً آنها را در **ضلالت** نگه داشته است. [۳۰]

مشرکان در قیامت

قرآن کریم برای **انذار** مشرکان، بنا به تناسب موقعیتشان صحنه‌هایی از **عاقبت** شوم آنان را در **قیامت** به تصویر کشیده که به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

← پشیمانی

در روز قیامت که تکلیف مشرکان روشن می‌شود از **شرک** خود اظهار **پشیمانی** می‌کنند: «وَ يَوْمَ نَخَشِرُهُمْ خَمِيماً ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ثُمَّ لَمَّا كُنْتُمْ فِتْنَةًهُمْ إِلاَّ أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» [۳۱] «آن روز که همه آنها را محشور می‌کنیم؛ سپس به مشرکان می‌گوییم: **معبودهایتان**، که همتای خدا می‌پنداشتید، گجایند؟ (چرا به یاری شما نمی‌شتابند؟!؛ سپس پاسخ و عذر آنها، چیزی جز این نیست که می‌گویند: به خداوندی که پروردگار ماست **سوگند** که ما مشرک نبودیم!» مشرکان در روز قیامت در برابر سوالات در ارتباط با ساختگی بودن معبودها و اینکه هیچ گونه اثری از قدرت نمایی آنها در این عرصه وحشتناک دیده نمی‌شود! پاسخی جز **انکار شرک** و بیزاری از آن ندارند. [۳۲]

← لعن یکدیگر

مشرکان و **معبودان** آنها در صحنه **قیامت**، به **لعن** و **نفرین** یکدیگر می‌پردازند؛ **قرآن** این واقعه را این گونه بیان نموده است: «وَ قَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَ يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا» [۳۳] «(ابراهیم) گفت: شما غیر از خدا **بت‌هایی** برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی **دنیا** باشد؛ سپس روز **قیامت** از یکدیگر بیزار می‌جوید و یکدیگر را **لعن** می‌کنید!» حضرت **ابراهیم** (ع) برای مقابله با مشرکان که بت‌ها را مایه دوستی و نزدیکی به همدیگر می‌دانستند، به آنها گوشزد می‌کند که در روز قیامت با دیدن **عذاب** الهی، این رشته محبت بین شما گسسته شده و **لعن** و **نفرین** جایگزین آن می‌گردد. [۳۴]

← استمداد از معبودان خود

در روز قیامت مشرکان از معبودهایی که به عنوان **شریک** خداوند قرار داده بودند، یاری می‌جویند: «وَ يَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ...» [۳۵] «به خاطر بی‌اورید روزی را که (خداوند) می‌گوید: همتایانی را که برای من می‌پنداشتید، بخوانید (تا به کمک شما بشتابند!)؛ ولی هر چه آنها را می‌خوانند، جوابشان نمی‌دهند...» خداوند برای این که به مشرکان ثابت کند که چیزهایی که برای خدا شریک قرار داده‌اند، هیچ قدرتی ندارند و این **پرستش** آنها تنها بر اساس توهمات، پایه برزی شده، با تصویر وضعیتشان در قیامت، آنها را به تفکر وامی‌دارد تا درباره شرک خود دقت بیشتری کنند. این **آیه** متذکر می‌شود که خداوند در روز قیامت به مشرکان امر می‌کند تا از شریکان ساختگی درخواست کمک کنند، اما هیچ گونه جوابی در یاری‌خواهی از آنها داده نمی‌شود، چرا که آنها هیچ **قدرت** و **نفع** و

← تسلیم شدن نزد خدا

مشرکان در قیامت در برابر خواست خدا تسلیم مطلق اند:

«أُخْشِرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ أَوْجَحَهُمْ وَ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْتَدَوْهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ... مَا لَكُمْ لَاتَتَّصِرُونَ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ» [۳۷] (در این هنگام به فرشتگان دستور داده می‌شود: **ظالمان** و هم‌ردیفانشان و آنچه را می‌پرستیدند (آری آنچه را) جز خدا می‌پرستیدند، جمع کنید و به سوی راه **دوزخ** هدایتشان کنید!... شما را چه شده که از هم باری نمی‌طلبید؟! ولی آنان در آن روز تسلیم قدرت خداوندند!)
آیه دالّ بر این مطلب است که مشرکان و معبودهای آنها همگی در قیامت محشور می‌شوند، در حالی که معبودهای خود را که به باری آنها امید و تکیه داشتند، نیز همراه خود حاضر می‌بینند، و چاره‌ای جز تسلیم ندارند؛ چون **مستسلم** به کسی گفته می‌شود که خود بخود تسلیم نمی‌شود؛ بلکه باید او را به **اجبار** تسلیم کنند. [۳۸]

قرآن و اتمام حجت با مشرکان

یکی از سنت‌های الهی که در تمام اعصار تاریخ بشر به آن عمل شده، **سنت اتمام حجت** با کفار و مشرکان است: «وَ مَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكًا الْفَرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَنْبَأُ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا...» [۳۹] «و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری **مبعوث** کند که **آیات** ما را بر آنان بخواند...»






بنابر آیات قرآن در هیچ زمانی بدون اتمام **حجت** که به طرق مختلفی صورت می‌گرفته از جمله: **بعثت** رسولان، **نزول** کتب آسمانی، **اخبار** از عذاب و نابودی گذشتگان، **معجزات** و دلایل، عذابی بر مشرکان و کفار نازل نشده است. [۴۰] از باب نمونه به ذکر دو آیه بسنده می‌شود: «وَ مَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبَةٍ إِلَّا وَ لَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ» [۴۱] «ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه **اجل معین** (و زمان تغییر ناپذیری) داشتند!» و «فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ» [۴۲] «اگر آنها روی گردان شوند، بگو: من شما را از صاعقه‌ای همانند **صاعقه عاد** و **ثمود** می‌ترسانم!»

مشرکان و عذاب مضاعف

سرن مشرکان و پیروان آنها هنگام ورود به **جهنم**، همدیگر را **لعن** کرده و پیروانشان برای رهبران مشرک خود از خداوند درخواست عذاب دو برابر می‌کنند: «...فَالْتَأْتَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ فَإِنْ لَكَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَ لَكِنْ لَاتَعْلَمُونَ» [۴۳] «... (در این هنگام) گروه پیروان درباره‌ی پیشوایان خود می‌گویند: خداوند! اینها بودند که ما را گمراه ساختند پس **کیفر** آنها را از **آتش** دو برابر کن! (کیفری برای گمراهیشان، و کیفری بخاطر گمراه ساختن ما.) می‌فرماید: برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است؛ ولی نمی‌دانید.»
پیروان مشرکین پاسخ می‌شوند که برای همه شما عذاب مضاعف است و عذاب پیروان به این دلیل مضاعف است که آنها بدون دلیل عقلی و شناخت از واقعیتها از رهبران مشرک پیروی کرده و عنان خود را به دست آنها سپرده و **عقاید** ضالّه آنها را **تبلیغ** و ترویج دادند. [۴۴]

پانویس

- ↑ رابع اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، چاپ اول، ص ۴۵۱.
- ↑ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۴۹.
- ↑ مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش، ج ۶، ص ۴۸.
- ↑ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۵۰.
- ↑ روم/سوره ۳۰، آیه ۴۳.
- ↑ طیب، سید عبدالحسین؛ اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۳۹۵.
- ↑ تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۶۶.
- ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۱۰۰.
- ↑ تفسیر التبیان، ج ۴، ص ۲۱۹.
- ↑ یونس/سوره ۱۰، آیه ۱۸.
- ↑ بانوی اصفهانی امین، سیده نرست؛ مخزن العرفان فی تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش، ج ۶، ص ۱۴۳. برای مطالعه ی بیشتر درباره این عقیده مشرکان می‌توان به زمر/ ۲/ و ۴۳ نیز مراجعه نمود.
- ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۲۰.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۱۶.
- ↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۷ و ۱۸.
- ↑ مریم/سوره ۱۹، آیه ۸۸-۹۲.
- ↑ انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۲۶.
- ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۴.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش، چاپ سوم، ج ۵، ص ۲۶.
- ↑ مومنون/سوره ۲۳، آیه ۲۳ و ۲۵ و ۲۷.
- ↑ تفسیر التبیان، ج ۷، ص ۲۶۵.
- ↑ تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۱.
- ↑ مومنون/سوره ۲۳، آیه ۲۴.
- ↑ یونس/سوره ۱۰، آیه ۱۵.
- ↑ یونس/سوره ۱۰، آیات ۸۱-۸۳.
- ↑ صافات/سوره ۳۷، آیه ۱۵.
- ↑ صافات/سوره ۳۷، آیه ۲۲.
- ↑ نازعات/سوره ۷۹، آیه ۱۰-۱۲.
- ↑ جائیه/سوره ۴۵، آیه ۱۰-۱۲.
- ↑ زخرف/سوره ۴۲، آیه ۲۰.
- ↑ مدرسی، سیدمحمدتقی؛ من هدی القرآن، تهران، دار محبی‌الحسین، ۱۴۱۹ق، چاپ اول، ج ۱۲، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.
- ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۲۲ و ۲۳.
- ↑ تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.
- ↑ عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۲۵.
- ↑ مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱۰، ص ۲۹.
- ↑ کهف/سوره ۱۸، آیه ۵۲.
- ↑ فضل‌الله، سیدمحمدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق، چاپ دوم، ج ۱۴، ص ۳۴۷.

۳۷. ↑ صافات/سوره ۳۷، آیات ۲۲ تا ۲۶. 
۳۸. ↑ أطيّب البيان في تفسير القرآن، ج ۱۱، ص ۱۲۶.
۳۹. ↑ قصص/سوره ۲۸، آیه ۵۹. 
۴۰. ↑ أطيّب البيان في تفسير القرآن، ج ۱۰، ص ۲۵۸.
۴۱. ↑ حجر/سوره ۱۵، آیه ۴. 
۴۲. ↑ فصلت، سوره ۴۱، آیه ۱۲. 
۴۳. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۲۸. 
۴۴. ↑ مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش، چاپ اول، ج ۸، ص ۲۴۲.

منبع

 سایت معارف قرآن
 سایت پژوهه

رده‌های این صفحه : **شرک**